

مفہوم شناسی «ریب» در قرآن و روایات اہل بیت علیہم السلام^۱

محسن عطاء الہ^۲

سید رسول موسوی^۳

چکیده

هدف از این پژوهش دستیابی به مفہوم «ریب» در قرآن و روایات است کہ با روش نقلی ہمراہ با توصیف و تحلیل انجام شدہ است. این واژہ در لغت بہ سہ معنای مطلق شک، شک ہمراہ با ترس و بدگمانی، یا توہم و ناآرامی روانی بہ کار رفتہ است. بررسی کاربردهای ریب در قرآن معنای سوم را تأیید می کند و نشان می دہد کہ ہرگونہ شکمی ریب نیست، بلکہ بہ شکمی ریب اطلاق می شود کہ از اضطراب روانی ناشی شدہ باشد. کاربرد این واژہ در روایات نیز نشان می دہد کہ مفہوم ریب در مقابل مفہوم طمأنینہ و ثبات، و منافی یقین و اخلاص است. در نتیجہ این حالت روانی مربوط بہ عرصہ معارف قلبی و حوزہ روان شناسی است، نہ حوزہ معرفت شناسی؛ درحالی کہ شک مفہومی عام دارد و شامل ہر دو حوزہ می شود.

کلیدواژہ‌ها: ریب، شک، یقین، اضطراب، واژہ شناسی اجتہادی، مفردات قرآن

۱. درآمد

گام نخست برای پی بردن بہ معانی نہفتہ در عبارات قرآنی و روایی فہم عمیق واژگان بہ کار رفتہ در آنہاست. این فہم ژرف با مراجعہ سادہ و گذرا بہ کتاب های لغت عربی، و اصطلاحاً از راہ «واژہ شناسی

۱. بخش هایی از این مقالہ از مباحث تفسیری آیت اللہ ری شہری برداشت شدہ است. این مباحث بہ زودی در کتاب «پرتوی از تفسیر اہل بیت علیہم السلام» بہ چاپ می رسد.

۲. پژوهشگر پژوهشگاہ قرآن و حدیث، پژوهشکدہ تفسیر اہل بیت علیہم السلام (نویسنده مسؤل ataolah.m@riqh.ac.ir).

۳. پژوهشگر ارشد پژوهشگاہ قرآن و حدیث، پژوهشکدہ تفسیر اہل بیت علیہم السلام (mousavi.r@riqh.ac.ir).

تقلیدی»، به دست نمی‌آید؛ بلکه باید در فرایندی نسبتاً طولانی، افزون بر بررسی دقیق شواهد ارائه شده و کشف معنای اصلی واژه، درباره کاربردهای قرآنی و روایی آن نیز پژوهش کرد. به این روش اصطلاحاً «واژه‌شناسی اجتهادی» گفته می‌شود (ن.ک: مسعودی، ۱۳۸۴، ص ۷۹).

واژه «شک» یکی از واژگان کلیدی است که در عرصه‌های گوناگون آموزه‌های اسلامی، اعم از اعتقادات، احکام و اخلاق، به کار رفته است. این واژه در رشته‌های نوپدید در علوم اسلامی، از جمله روان‌شناسی، هم قابل پیگیری است. پیش‌تر درباره مفهوم «شک» در قرآن پژوهش‌های درخور توجهی انجام گرفته است (ن.ک: شاکر، ۱۳۸۴، ص ۲۶۷؛ هاشم‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۱۶۵)؛ ولی درباره واژه «ریب»، که از مفاهیم نزدیک به مفهوم شک است، هنوز تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. این در حالی است که کاربرد واژه ریب در قرآن بیش از دو برابر کاربرد واژه شک است.^۱ به همین دلیل، این مقاله به مفهوم‌شناسی واژه ریب می‌پردازد.

برای این کار، ابتدا معانی ارائه شده برای واژه ریب به لحاظ لغوی بیان می‌شود؛ سپس کاربردهای این واژه در قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از تعیین کاربرد مورد نظر، آن را از دریچه احادیث اهل بیت علیهم‌السلام می‌نگریم.

۲. معنای ریب در لغت

«رَیْبٌ» بر وزن «فَعْلٌ» مصدر و از ریشه ر.ی.ب. است. واژه‌شناسان در برگرداندن معنای اصلی این ریشه به یک معنای خاص اجماع ندارند. در مجموع، سه دیدگاه در این زمینه مطرح شده است که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

۱-۲. شک

فراهیدی، از پایه‌گذاران دانش لغت‌شناسی، معنای ریب را همان شک می‌داند؛ گرچه دو معنای «گذر روزگار» و «شک همراه با خوف» را هم در کاربردهای آن بیان می‌کند. او می‌گوید:

ریب همان شک است و ریب به معنای گردش و دگرگونی روزگار و حوادث آن هم می‌باشد؛ [چنان‌که] به آنچه تو را به شک می‌اندازد - از اموری که از سرانجامش می‌ترسی - نیز اطلاق شده است ... «رَائِبِي هَذَا الْأَمْرَ يَرِيْبِي» یعنی در من شک و ترس ایجاد کرد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۲۸۷).

۱. ماده ش.ک.ک. ۱۵ بار و ماده ر.ی.ب. ۳۶ بار در قرآن تکرار شده‌اند.

ازهری در تهذیب اللغة (ج ۱۵، ص ۱۸۰، به نقل از قتیبی) و جوهری در الصحاح (ج ۱، ص ۱۴۱) نیز آن را به معنای شک دانسته‌اند. ابن فارس نیز در مقایس اللغة این واژه را به معنای شک دانسته است؛ ولی در بیان معنای اصلی آن میان مطلق شک یا شک همراه خوف تردید کرده است. وی می‌نویسد: «راء ویاء و باء ریشه‌ای است که بر شک یا شک و ترس دلالت دارد. پس ریب همان شک است» (ابن فارس، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۴۶۳).

تقریباً همه مفسران از صحابه و تابعان نیز ریب را در آیه «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ» (بقره: ۲) به معنای شک دانسته‌اند و حتی از ابن ابی حاتم، مفسر متقدم اهل سنت، نقل شده است که مخالفی در این زمینه نمی‌شناسد (ابن کثیر، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۲).

۲-۲. توهم

برخی از واژه‌پژوهان معتقدند که معنای اصلی ریب، توهم است. راغب اصفهانی در این باره می‌نویسد: «ریب این است که تو درباره کار یا موضوعی چیزی را بپنداری، سپس حقیقت آن روشن شود» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۶۸).

صاحب التحقیق هم توهم همراه با شک را تنها ریشه معنایی این واژه دانسته است (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۲۹۰).

۳-۲. ناآرامی و اضطراب روانی

عده‌ای از مفسران کهن و معاصر بر این باورند که معنای اصلی ریب ناآرامی روانی و اضطراب روحی است. در منابع لغوی کهن این مطلب به صراحت نیامده است؛ ولی زمخشری که خود لغت‌پژوه زبردستی است، در تفسیر کشاف می‌گوید: «ریب مصدر فعل "رابنی" است و [آن] هنگامی است که برای تو ریه حاصل شود. و حقیقت ریه ناآرامی و اضطراب نفس است». (زمخشری، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴).

شیخ طوسی نیز هرچند در برخی مواضع ریب را به معنای شک قوی دانسته است (طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۷۳)، در تفسیر «وَأَزْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ» (توبه: ۴۵) معنای واژه «ارتیاب» را اضطراب در عقیده بیان کرده است. وی می‌نویسد: «وآرتاب قلوبهم» یعنی دل‌های آنان مضطرب و مردد شد. ارتیاب همان اضطراب در اعتقاد است که یک بار پیش می‌رود و بار دیگر برمی‌گردد» (طوسی، پیشین، ج ۵، ص ۲۲۹).

برخی از واژه‌شناسان متأخر نیز این نظریه را مطرح کرده‌اند و کاربرد ریب در معنای شک را در رتبه

بعد دانسته‌اند. مؤلف الطراز الأول بر این باور است که این واژه در اصل به معنای ناآرامی روانی و اضطراب روحی بوده و به تدریج در مطلق شک یا شک همراه با تهمت به کار رفته است (مدنی شیرازی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۹۳).

جوادی آملی نیز در تفسیر تسنیم ریب را این‌گونه معنا کرده است:

حالت اضطرابی است که بر اثر برخی شک‌ها، مانند شک در وجود قیامت، برای انسان پدید می‌آید. برخی شک‌ها مانند شک در عدد کوه‌های زمین برای زمین‌شناسان نگرانی‌زا و اضطراب‌آور نیست، اما برخی شک‌ها برای انسان نگرانی و اضطراب می‌آورد. شک ویژه‌ای که مربوط به دسته دوم است، ریب نامیده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۳۲).

البته او در ادامه، شک همراه با سوء ظن و تهمت را نیز از معانی ریب دانسته است؛ چنان‌که برخی از واژه‌شناسان افزون بر معنای شک، مفهوم بدگمانی و تهمت را نیز برای این کلمه بیان کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۴۲؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۴۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۵).

۲-۴. جمع بندی

با در نظر گرفتن اینکه واژه‌شناسان کهن ریب را به معنای شک دانسته‌اند، پذیرفتن دیدگاه دوم که معنای آن را توهم می‌دانست، مشکل به نظر می‌رسد. چه اینکه در تمامی کاربردهای این واژه چنین اصلی را نمی‌توان به راحتی جایگزین کرد. برای نمونه یکی از استعمالات این واژه در معنای «حاجت» است (جوهری، ۱۹۹۰، ج ۱، ص ۱۴۱؛ ابن فارس، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۴۶۴). در این صورت، جز با تکلف نمی‌توان میان احتیاج و توهم ارتباطی ایجاد کرد.

از سوی دیگر، ریب نمی‌تواند به معنای مطلق شک نیز باشد؛ زیرا همین که در آیات قرآن این دو ماده در کنار هم به کار رفته‌اند^۱ قرینه‌ای است بر تفاوت مفهومی آنها. از این رو، دیدگاه اول نیز دقیق به نظر نمی‌رسد، به همین دلیل معمولاً در کتب لغت برای رساندن معنای این واژه افزون بر مفهوم شک، از مفاهیم «خوف»، «ظنّ» و «تهمة» نیز استفاده شده است (ابن درید، بی تا، ج ۱، ص ۳۳۲؛ ابن منظور، پیشین، ج ۱، ص ۴۴۲). چنان‌که برخی از مفسران، از ریب به عنوان بدترین و زشت‌ترین نوع شک یاد کرده‌اند (طوسی، پیشین، ج ۷، ص ۲۹۱ و ج ۸، ص ۲۹۲، ۴۰۹؛ طبرسی، پیشین، ج ۷، ص ۱۱ و ج ۸، ص ۵۰۹)؛ بر همین مبنا، برخی میان ریب و شک این طور فرق گذاشته‌اند که شک عبارت است از تردد ذهن میان دو امر در حد مساوی؛ ولی ریب شک توأم با تهمت است (ابوهلال عسکری، بی تا، ص ۲۶۴).

۱. «إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ» (سبأ: ۵۴)؛ نیز ن. ک: هود: ۶۲ و ۱۱۰؛ ابراهیم: ۹؛ فصلت: ۴۵؛ شوری: ۱۴.

ولی با تأمل در آنچه واژه‌شناسان معتبر در تبیین معنای «ریب» گفته‌اند، به نظر می‌رسد که این سخن در همه جا صحیح نیست؛ بلکه همان طور که ملاحظه شد، این واژه به تناسب و با قرینه در همه معانی یادشده به کار می‌رود، ولی هیچ یک از آنها گوهر معنایی ریب را نمی‌رساند.

بنابراین، به نظر می‌رسد دیدگاه سوم که معنای حقیقی این واژه را ناآرامی و اضطراب می‌داند، دقیق‌تر است. این معنا در تمامی استعمالات ریب نیز قابل فهم است. مثلاً در همان مفهوم «حاجت» به راحتی می‌توان میان احتیاج و حالت ترس و اضطراب ارتباط برقرار کرد؛ چنان‌که گفته‌اند شخص محتاج چون می‌ترسد که نیازش بر طرف نشود، دچار تردید و اضطراب می‌شود.^۱ یا در کاربرد دیگر آن یعنی «رِيبُ الْمُؤْنِ» (طور: ۳۰) که به معنای حوادث روزگار یا مرگ می‌باشد، این‌گونه ارتباط برقرار می‌شود که این حوادث انسان را دچار اضطراب و ناآرامی می‌کند.

بر این اساس، هر شکی ریب نیست؛ بلکه به شکی ریب اطلاق می‌شود که از بدگمانی و تهمت و اضطراب روانی ناشی شده باشد. این فرق اصلی میان این دو واژه است. افزون بر آن، ریب بر خلاف شک که فی نفسه خوب یا بد نیست، دارای بار معنایی منفی است.^۲

۳. «ریب» در قرآن

واژه «ریب» و هیئت‌های برگرفته از آن ۳۶ بار در قرآن به کار رفته است که نیمی از آنها، یعنی ۱۸ بار، به صورت مصدر (ریب)³، ۷ بار در قالب اسم فاعل از باب افعال (مُریبٌ)⁴، یک بار به صورت اسم (ریبَةٌ)⁵، و ۱ بار هم به صورت اسم فاعل یا مفعول از باب افتعال (مُرتابٌ)⁶ آمده است. کاربرد این واژه به صورت فعلی نیز تنها در باب افتعال می‌باشد که در قالب صیغه‌های مختلف آن ۹ بار استعمال شده است.^۷

۱. ابن فارس در ارجاع این معنا به معنای شک می‌نویسد: «يقال إن الریب الحاجة. و هذا ليس ببعید؛ لأنَّ طالب الحاجة شاک، علی ما به من خوف القوت» (ابن فارس، پیشین، ج ۲، ص ۴۶۴).

۲. چنان‌که عسکری «ریبة» را از خصلت‌های ناپسند می‌شمارد: «فان الریبة هی الخصلة من المکروه» (عسکری، پیشین، ص ۲۶۳).

۳. بقره: ۲، ۲۳، آل عمران: ۹، ۲۵؛ نساء: ۸۷؛ انعام: ۱۲؛ یونس: ۳۷؛ توبه: ۴۵؛ اسراء: ۹۹؛ کهف: ۲۱؛ حج: ۵، ۷؛ سجده: ۲؛ غافر: ۵۹؛ شوری: ۷؛ جائیه: ۲۶، ۳۲؛ طور: ۳۰.

۴. هود: ۶۲، ۱۱۰؛ ابراهیم: ۹؛ سبأ: ۵۴؛ فصلت: ۴۵؛ شوری: ۱۴؛ ق: ۲۵.

۵. توبه: ۱۰۱.

۶. غافر: ۳۴.

۷. بقره: ۲۸۲؛ مانده: ۱۰۶؛ توبه: ۴۵؛ نور: ۵۰؛ عنکبوت: ۴۸؛ حدید: ۱۴؛ طلاق: ۴؛ مدثر: ۳۱؛ حجرات: ۱۵.

بررسی آیاتی که در آنها واژه ریب یا مشتقاتش آمده است نشان می‌دهد که متعلق و زمینه ایجاد ریب می‌تواند در امور اعتقادی مثل ایمان به خدا و پیامبر (حجرات: ۱۵)، رسالت و دعوت انبیا (هود: ۶۲)، کتب آسمانی (بقره: ۲۳) و قیامت (حج: ۵)، یا در امور خارجی مثل عقود تجاری (بقره: ۲۸۲)، یانسگی (طلاق: ۱، ۴) و صداقت شاهد (مائده: ۱۰۶) باشد.

ریب در امور خارجی امری طبیعی است و ناآرامی و اضطراب ناشی از آن هم پیامدهایی محدود به امور دنیوی و مادی دارد؛ اما ریب در امور اعتقادی وضعیتی متفاوت دارد.

خداوند متعال در سه آیه با تعبیر «لَا رَيْبَ فِيهِ» (بقره: ۲؛ یونس: ۲۷؛ سجده: ۲) هر گونه ریبی را از قرآن نفی کرده است. مشابه همین تعبیر در ده آیه دیگر درباره قیامت آمده است؛^۱ چنان‌که در مورد اجل انسان نیز در یک آیه همین تعبیر به کار رفته است.^۲ این در حالی است که در آیاتی مانند: «إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا»^۳ و «إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبُعْثِ»^۴، سخن از ریب کافران و منافقان درباره قرآن و قیامت است.

تأمل در این آیات نشان می‌دهد میان آیات دسته اول و دوم تنافی وجود ندارد؛ زیرا مراد از «نفی ریب» از قرآن کریم، قیامت و اجل انسان این است که در آنها جای هیچ ریبی نیست و اصلاً زمینه و موضوع ریب در آنها وجود ندارد؛ زیرا هم قرآن حق محض است^۵ هم قیامت حق محض است^۶ و هم دروازه ورود به آن که اجل و مرگ انسان است.^۷ در واقع، زمینه شک و ریب در جایی فراهم است که حق و باطل به هم آمیخته باشد و حق‌نمایی باطل منشأ تردید گردد (جوادی آملی، پیشین، ج ۲، ص ۱۳۰)؛ ولی در آیات دسته دوم، وجود ریب به خود معاندان نسبت داده شده است؛ چنان‌که در آیاتی مانند: «إِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ» (هود: ۱۱۰؛ فصلت: ۴۵؛ نیز ن. ک: شوری: ۱۴) وجود شک و ریب در تورات به خود بنی اسرائیل نسبت داده شده است. مخالفان انبیایی چون نوح، هود و صالح نیز ریب و تردید خود را نسبت به دعوت انبیا این‌گونه اعلام کرده‌اند: «إِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ» (ابراهیم: ۹؛ نیز ن. ک: هود: ۶۲).

۱. آل عمران: ۹، ۲۵؛ نساء: ۸۷؛ انعام: ۱۲؛ کهف: ۲۱؛ حج: ۷؛ شوری: ۷؛ جاثیه: ۲۶، ۳۲.

۲. اسراء: ۹۹. برخی از مفسران «أجل» را در این آیه به معنای سرآمد بازگرداندن انسان‌ها در قیامت تفسیر کرده‌اند (ن. ک: طبرسی،

پیشین، ج ۶، ص ۶۸۳) که در این صورت این آیه نیز به نفی ریب از قیامت مربوط می‌شود.

۳. بقره: ۲۳.

۴. حج: ۵.

۵. «بل هو الحق من ربك» (سجده: ۳).

۶. «ذلك اليوم الحق» (نبا: ۳۹).

۷. «و جاءت سكرة الموت بالحق» (ق: ۱۹)؛ «أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۰۱).

پس باوجود غیرقابل تردید بودن این حقایق، اگر کسی در مورد آنها دچار ریب و تردید شود، نشان از آن است که منشأ شک او نوعی بیماری روانی است که در آن شخص وجود دارد. همان گونه که اگر کسی در روز روشن در وجود نور آفتاب شک کند، مشکل از بینایی او قلمداد می‌شود.^۱ از این رو، قرآن درباره منافقان می‌فرماید: «أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ اِزْتَابُوا» (نور: ۵۰) یا «اِزْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ» (توبه: ۴۵) و در مقابل مؤمنان حقیقی را این‌گونه توصیف می‌کند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا» (حجرات: ۱۵).

ممکن است برای هر کسی در این حقایق شک ایجاد شود؛ اما کسانی که بر اثر آلودگی‌های اخلاقی و عملی دچار بیماری روانی شده‌اند و ادراکات عقلی و قلبی را از دست داده‌اند، نمی‌توانند نسبت به این حقایق اطمینان قلبی پیدا کنند؛ بلکه این بیماری شک آنها را تبدیل به ریب می‌کند و حتی اگر عقل آنها صداقت پیامبران را درک کند^۲، اضطراب و دودلی آنها را به تکذیب انبیاء وا می‌دارد.

۴. ریب در روایات

به طور کلی، روایات بر آفت بودن حالت ریب و تردید برای رشد و کمال انسانی تأکید دارند و آن را یکی از بیماری‌های اخلاقی به شمار می‌آورند؛ چه اینکه در روایتی از امیر مؤمنان علیه السلام تصریح شده است که «ریب» بیماری^۳ و «مُریب» بیمار است.^۴ از این رو، در احادیث اهل بیت علیهم السلام افزون بر هشدار به خطرناک بودن این حالت،^۵ به اسباب و عوامل^۶ و آثار^۷ آن هم پرداخته شده است؛ چنان که به موانع ایجاد آن هم اشاره شده^۸ و برای زدودن آن راهکارهایی بیان شده است.^۹

۱. «بَلْ اِدْرَاكَ عَلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا بَلْ هُمْ مِنْهَا عَمُونَ» (نمل: ۶۶).

۲. «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا اَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا» (نمل: ۱۴).

۳. «الْمُرِيبُ اَبْدَا عَلِيلٍ» (لیثی، پیشین، ص ۴۰).

۴. «الْتِرِيءُ صَحِيحٌ وَ الْمُرِيبُ عَلِيلٌ» (لیثی، پیشین، ص ۲۹).

۵. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «تَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنْ سُوءِ كُلِّ الرَّيْبِ؛ از بدی هر تردیدی به خدا پناه می‌بریم» (کلینی، پیشین، ج ۸، ص ۱۷۶).

۶. دروغ و همنشینی با اهل ریب یا فاسقان از جمله عوامل ایجاد ریب در روایات بیان شده است. ن. ک: ترمذی، ۱۳۵۷، ج ۴، ص ۶۶۸؛ صدوق، ۱۴۱۰، ص ۹؛ کراچکی، ۱۳۴۹، ص ۶۳.

۷. در روایات، شرک، خواری، هلاکت و بدگمانی از آثار ریب شمرده شده است. ن. ک: لیثی، پیشین، ص ۳۲، ۱۱۳، ۱۲۵، ۱۳۴. ۸. بنا بر روایات، یقین، اخلاص و یاد اهل بیت، برخی از موانع ایجاد ریب هستند. ن. ک: لیثی، پیشین، ص ۴۴۲، ۴۷۶؛ برقی، پیشین، ج ۱، ص ۶۲.

۹. مثلاً برای دوری از تردیدی که شیطان در دل انسان ایجاد می‌کند، سفارش به ذکر خدا شده است. ن. ک: کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۴۲۵.

با توجه به مفهوم برداشت شده از واژه «ریب» در روایاتی که در آنها این واژه به کار رفته است،^۱ می‌توان آنها را به دو دسته کلی تقسیم کرد: بدگمانی و تردید.

۴-۱. ریب به معنای بدگمانی و تهمت

در یک دسته از روایات کلمه ریب و مشتقاتش به مفهوم بدگمانی و تهمت استفاده شده‌اند؛^۲ مانند این روایت از امام صادق علیه السلام که طبق نقل می‌فرماید:

الإشْتِهَارُ بِالْعِبَادَةِ رِيْبَةٌ (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۹۴).
مشهور شدن به عبادت موجب بدگمانی و تهمت است.

مراد از عبادت در اینجا عبادات مستحبی است؛ یعنی وقتی کسی مستحبات را جلوی چشم دیگران انجام دهد و از این جهت مشهور شود، ممکن است دیگران در اخلاص او شک کنند و به او تهمت ریاکاری بزنند؛ بر خلاف واجبات که همه افراد آنها را انجام می‌دهند و موجب چنین گمانی نمی‌شود (ن: ک: مجلسی، بی تا، ج ۱۳، ص ۱۰۰).

از امام حسین علیه السلام نیز در روایتی می‌فرماید:

مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْفِسْقِ رِيْبَةٌ (آبی قمی، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۳۴).
همنشینی با فاسقان، موجب بدگمانی و تهمت است.

«ریبه» در این دو روایت و روایات مشابه به این معناست که انسان مورد تهمت و سوء ظن قرار می‌گیرد؛ یعنی فعل انسان موجب ایجاد تردید و دودلی در کسانی می‌شود که به او می‌نگرند. به همین جهت درباره او گمان بد می‌کنند و در نهایت این امر زمینه غیبت کردن درباره او را فراهم می‌سازد.^۳ از این رو، در روایتی خود ریه عامل ایجاد تهمت دانسته شده است^۴ و در جای دیگر قرار نگرفتن در جایگاهی که زمینه‌ساز بدگمانی است از نشانه‌های ایمان به خدا و قیامت دانسته شده است.^۵

۱. طبق جست‌وجوی ما، دست‌کم در ۱۲۰ روایت از واژه «ریب» و مشتقات آن استفاده شده است.

۲. حدود ۲۰ روایت در این دسته جای می‌گیرند.

۳. «قال علی علیه السلام: من كثرت ريبتك كثرت غيبته» (تمیمی، ۱۴۱۰، ص ۵۹۶).

۴. «قال علی علیه السلام: الرِّيْبَةُ تُوجِبُ الظَّنَّ» (لیثی، پیشین، ص ۳۹). نیز: «إِذَا ظَهَرَتْ الرِّيْبَةُ سَاعَتْ الظَّنُّونُ» (لیثی، ص ۱۳۴).

۵. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَقُومُ مَكَانَ رِيْبَةٍ» (کلبینی، پیشین، ج ۲، ص ۳۷۷).

روایاتی نیز که پوشاندن سر در شب^۱ یا غیرت‌ورزی نابه‌جا^۲ را موجب ایجاد ریه دانسته‌اند در این گروه جای می‌گیرند؛ چرا که پوشاندن سر در تاریکی موجب قرار گرفتن در مظان بدگمانی می‌شود؛ چنان که غیرت ورزیدن به زنان در جایی که پای حرام و گناهی در میان نباشد، باعث می‌شود دیگران بپندارند که زن گناهی مرتکب شده است که شوهرش درباره او غیرت‌ورزی می‌کند و همین امر در روحیه زن تأثیر منفی خواهد داشت.

۲-۴. ریب به معنای تردید و دودلی

در دسته دیگری از روایات، که دربرگیرنده روایات بیشتری است^۳، واژه ریب به مفهوم تردید و دودلی به کار رفته است؛ اعم از تردید و دودلی در امور اعتقادی یا در امور مادی.^۴ آنچه برای ما اهمیت بیشتری دارد، همین معنا، یعنی شک و تردید، خصوصاً در امور اعتقادی، است. در گروهی از این روایات مفهوم ریب در مقابل یا منافی مفهوم دیگری قرار گرفته است که از باب قاعده معروف «تعرف الأشياء بأضدادها» به ما کمک شایانی در رسیدن به مفهوم ریب در این دسته از روایات می‌کند.

طبقه‌بندی این دسته از روایات ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که چهار مفهوم طمأنینه، ثبات، اخلاص و یقین در برابر مفهوم ریب قرار دارد که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

۲-۴-۱. مقابل طمأنینه

در برخی از روایات ریب در مقابل طمأنینه قرار گرفته است؛ مانند این روایت معروف که از رسول خدا ﷺ نقل شده است:

دَعَّ مَا يَرِيئَكَ إِلَى مَا لَا يَرِيئُكَ؛ فَإِنَّ الصَّدَقَ طَمَأْنِينَةً وَالْكَذِبَ رِيَّةً (اربلی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۵۳۵؛ احمد بن حنبل، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۰۰).

آنچه تو را به تردید می‌افکند واگذار و به چیزی رو کن که در تو تردید نمی‌انگیزد؛ چراکه راست‌گویی [مایه] اطمینان و آرامش است و دروغ [موجب] اضطراب و تردید.

۱. «قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّمَنَّعُ بِاللَّيْلِ رِيَّةٌ» (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۱۷؛ نیز ن.ک: کلینی، پیشین، ج ۶، ص ۴۷۸).

۲. «قال رسول الله (ص): مِنَ الْغَيْرَةِ مَا يَجِبُ اللَّهُ وَمِنْهَا مَا يَبْغُضُ اللَّهُ، فَأَمَّا الَّتِي يَجِبُهَا اللَّهُ فَالْغَيْرَةُ فِي الرِّيَّةِ، وَأَمَّا الْغَيْرَةُ الَّتِي يَبْغُضُهَا اللَّهُ فَالْغَيْرَةُ فِي غَيْرِ رِيَّةٍ» (ابو داود، بی‌نا، ج ۳، ص ۵۰؛ نیز ن.ک: حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۵۷۹، و نهج البلاغة، نامه ۳۱).

۳. حدود ۹۰ روایت در این دسته جای می‌گیرند.

۴. از جمله مواردی که ریب به معنای تردید در امور مادی به کار رفته است، در روایات فقهی مربوط به زنانِ مُستترابه است. «مُستترابه» به زنی اطلاق می‌شود که در سن حیض است و شک در وقوع آن دارد (طریحی، ج ۲، ص ۷۷). حدود پنج روایت از روایاتِ مشتمل بر واژه «ریب» مربوط به این موضوع هستند. ن.ک: کلینی، پیشین، ج ۶، ص ۹۷، باب طلاق المستترابه.

قسمت اول این روایت در بسیاری از منابع گاه به صورت مستقل (قضاعی، ۱۳۴۹، ص ۳۱۱؛ لیثی، ۱۳۷۶، ص ۲۴۹؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۷۴؛ احمد بن حنبل، پیشین، ج ۳، ص ۱۵۳)، و گاه همراه با عبارتی دیگر (متقی هندی، پیشین، ج ۱، ص ۳۵۱؛ صنعانی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۱۷-۱۱۸) بدون هیچ اختلافی نقل شده است؛ ولی قسمت دوم آن به شکل‌های دیگری نیز وارد شده است.^۱ البته وجه مشترک همه آنها این است که «ریبه» در مقابل «طمأنینه» آمده است و از آنجاکه در مفهوم طمأنینه آرامش و سکون و استقرار^۲ نهفته است، پس ریب مفهومی ضد آرامش خواهد داشت که مؤید معنای اصلی برشمرده شده برای این ماده است.

۴-۲-۲. مقابل ثبات

در برخی از روایات مفهوم «ریب» در مقابل مفهوم «ثبات» به معنای پایداری به کار رفته است. در دعایی که سید بن طاووس آن را از تعقیبات مهم نمازها دانسته است و آن را از کتاب «احمد بن عبد الله بن خانبه»^۳ نقل می‌کند، می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ لَكَ صَلَّيْتُ وَ إِيَّاكَ دَعَوْتُ وَ فِي صَلَاتِي وَ دُعَائِي مَا قَدْ عَلِمْتَ مِنَ النَّقْصَانِ وَ ...
 الرَّيْبِ وَ الْفِكْرَةِ وَ الشَّكِّ ... فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْ مَكَانَ نَقْصَانِهَا تَمَامًا ...
 وَ رَيْبِي ثَبَاتًا وَ فِكْرِي حُشُوعًا وَ شَكِّي يَقِينًا (ابن طاووس، ۱۴۱۹، ص ۱۸۳).

خدایا! برای تو نماز خواندم و از تو درخواست کردم و حال نماز و دعایم را می‌دانی از کاستی و... دودلی و اندیشیدن [به غیر خدا] و شک ... پس بر محمد و خاندانش درود

۱. در برخی از منابع به جای عبارت: «فإن الصدق طمأنينة وإن الكذب ريبة» از عبارتهای مشابه آن، مثل «فإن الخير طمأنينة وإن الشر ريبة» (ابو یعلیٰ موصلی، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۱۳۲) یا «فإن الحق طمأنينة و الكذب ريبة» (حلوانی، ۱۳۸۳، ص ۲۸) یا «فإن الخير طمأنينة وإن الشك ريبة» و یا «فإن الشك ريبة و إن الصدق طمأنينة» (زیلعی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۸) آمده است. در برخی از منابع هم با عبارتهای متفاوتی مثل «فإنك لن تجد فقد شئء تركتة لله عز و جل» (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۵۱؛ سیوطی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۶۴۹) یا «فمن رعى حوّل الحمى يوشك أن يقع فيه» (ورام، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۲) یا «فإن الصدق ينجي» (سیوطی، پیشین، ج ۱، ص ۶۴۹) و یا «فإن الشك ريبة» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۰۶) گزارش شده است.

۲. ن.ک: ابن سیده، بی تا، ج ۹، ص ۲۶۱؛ صینی، بی تا، ص ۱۰.

۳. «أبو جعفر احمد بن عبدالله بن مهران الكرخي» معروف به «ابن خانبه» از اصحاب امام رضا علیه السلام است که به فرموده شیخ طوسی و نجاشی از ثقات اصحاب ماست (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۶۳؛ نجاشی، ۱۴۰۸، ص ۹۱). سید بن طاووس در فلاح السائل می‌گوید: عمل به دعاهای نقل شده در کتاب او برای ما روایت شده است. همو به نقل از سعید بن عبدالله اشعری می‌نویسد: احمد بن عبد الله بن خانبه کتابش را به مولایمان امام حسن عسکری علیه السلام عرضه کرد و حضرتش آن را قرائت نمود و فرمود: «صحیح است، بدان عمل کنید».

فرست و به جای کاستی‌هایش کمال ... به جای تردیدم پایداری^۱، به جای اشتغال فکری‌ام خشوع، و به جای شکم یقین قرار بده.

ریب در این دعا، که با کمی اختلاف به عنوان یکی از تعقیبات نمازهای واجب از امیر المؤمنین علیه السلام نیز روایت شده است^۲، مقابل ثبات قرار گرفته است؛ چنان که شک در برابر یقین آمده است. این مفهوم را می‌توان از روایاتی که در آنها ریب در کنار واژه‌هایی چون «تردید»^۳ و «استزلال»^۴ آمده است نیز برداشت کرد؛ زیرا تردید و دودلی و نیز لغزش و سستی از مفاهیم متضاد با ثبات و پایداری است.

۴-۲-۳. منافی اخلاص

در برخی از متون، ریب منافی اخلاص دانسته شده است؛ مثلاً در روایتی از امام علی علیه السلام چنین نقل شده است:

مَا أَتَابَ مُخْلِصٌ وَلَا شَكَّ مُوقِنٌ (لیثی، پیشین، ص ۴۷۶).

هیچ مخلصی دچار تردید نمی‌شود و هیچ صاحب یقینی شک نمی‌کند.

این روایت ضمن بیان اینکه ریب و شک قرین یکدیگرند، ریب را آفت اخلاص و شک را آفت یقین می‌شمارد. گفتنی است که اخلاص در اینجا اعم از اخلاص در عمل و اعتقاد است؛ از این رو امام سجاد علیه السلام در دعای وداع با ماه مبارک رمضان توبه نصوح را که توبه خالص است، به رهایی از شک و ریب تفسیر می‌کند:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمٍ فَطَرْنَا... مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْنَا... تَوْبَةً نَصُوحًا خَلَصَتْ مِنْ الشَّكِّ وَالْإِتْيَابِ، فَتَقَبَّلْهَا مِنَّا (زین العابدین، ۱۴۰۵، ص ۲۰۲).

خداوندا! در این روز عید فطر از هر گناهی که مرتکب شده‌ایم به درگاہ توبه می‌کنیم...

۱. در برخی از نسخه‌ها به جای «ریبی ثباتا» آمده است: «ریبی بیاناً: تردیدم را به روشنی».

۲. ن.ک: مجلسی، ۱۴۱۲، ج ۸۶، ص ۵۴ به نقل از کتاب غروی. این کتاب از مصادر بحار الانوار است که علامه مجلسی درباره آن گفته است: «الکتاب العتیق الذی وجدناه فی الغری صلوات الله علی مشرفه تألیف بعض قدماء المحدثین فی الدعوات و سمنیه بالکتاب الغروی» (مجلسی، پیشین، ج ۱، ص ۱۶).

۳. مانند این روایت از امام علی علیه السلام: «مَنْ اِمْتَرَى فِي الدِّينِ تَرَدَّدَ فِي الرِّيبِ» (کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۳۹۳).

۴. مانند این روایت از رسول خدا (ص) که در پاسخ کسی که می‌گفت: دچار نفاق شده‌ام، ابتدا فرمود: «ما نَأْفَقْتَ وَلَوْ نَأْفَقْتَ مَا أَتَيْتَنِي تُعَلِّمُنِي، مَا الَّذِي رَأَيْتُكَ؟» تو منافق نشده‌ای. اگر منافق بودی، نزد من نمی‌آمدی تا مرا از آن آگاه کنی. چه چیز تو را به تردید افکنده است؟ سپس در ادامه به او فرمود: «إِنَّ الشَّيْطَانَ أَتَاكُمْ مِنْ قِبَلِ الْأَعْمَالِ فَلَمْ يَقْرَ عَلَيْكُمْ، فَأَنَاكُمْ مِنْ هَذَا الْوَجْهِ لِكَيْ يَسْتَرْ لَكُمْ؛ شيطان از طریق اعمال و کردارهایتان نزد شما آمد و نتوانست بر شما چیره شود. اکنون از این راه (عقاید) به سراغتان آمده است تا شما را بلغزند». (کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۴۲۵). از این روایت می‌توان برداشت کرد که شيطان با ایجاد «ریب» موجب لغزش انسان می‌شود.

توبه‌ای راستین و خالص از شک و شبهه. پس این توبه را از ما بپذیر.

همچنین وقتی از امام جواد علیه السلام در باره چرایی ملقب شدن امام مهدی به «منتظر» سؤال می‌شود، حضرت طبق نقل در پاسخ می‌فرماید:

لَأَنَّ لَهُ غَيْبَةً يَكْتُمُ أَيَّامَهَا، وَيَطُولُ أَمْدُهَا، فَيَتَنَطَّرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ، وَ يَنْكِرُهُ الْمُرتَابُونَ
(صدوق، ۱۴۰۵، ص ۳۷۸، ش ۳).

زیرا او غیبتی دارد که روزگارش به درازا می‌کشد و مدتش طولانی است و مخلصان خروجش را انتظار می‌کشند و تردیدکنندگان آن را انکار می‌کنند.

در این روایت نیز مفهوم ریب در برابر مفهوم اخلاص به کار رفته است.

۴-۲-۴. منافی یقین

در گروهی از روایات، چنان‌که نمونه‌هایی از آن گذشت، مفهوم شک در برابر یقین به کار رفته بود؛ ولی در برخی از روایات نیز تقابل مفهوم یقین با ریب دیده می‌شود؛ مانند این روایت از امام علی علیه السلام که طبق نقل می‌فرماید:

مَنْ صَدَقَ يَقِينُهُ لَمْ يَزْتَبْ (لیثی، پیشین، ص ۴۵۶).
کسی که یقین راستین داشته باشد، گرفتار تردید نشود.

این روایت به صورت زیر نیز نقل شده است:

مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ لَمْ يَزْتَبْ (لیثی، پیشین، ص ۴۴۲).
کسی که یقینش نیرومند باشد، دچار تردید نشود.

تقابل یقین و ریب در برخی از دعاها نیز دیده می‌شود؛ مثلاً امام سجاد علیه السلام در بخشی از دعایش در طلب خیر می‌فرماید:

فَأَزِحْ عَنَّا رَيْبَ الْارْتِيَابِ، وَ أَيْدِنَا بِيَقِينِ الْمُخْلِصِينَ (زین العابدین، پیشین، ص ۱۳۵).
پس نگرانیِ تردید و دودلی را از ما دور کن و ما را با یقینِ مخلصان تأیید فرما.

در این دعا علاوه بر تقابل ریب با یقین، به تقابل ریب با اخلاص (ن.ک: بالا) نیز اشاره شده است. همچنین شیخ طوسی در تهذیب به اسنادش از معصومان این دعا را نقل کرده است که بیانگر تضاد ریب و یقین است:

فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعْصِمَنِي بِطَاعَتِكَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَ بِمَا أَحْبَبْتَ عَمَّا كَرِهْتَ وَ بِالْإِيمَانِ عَنِ الْكُفْرِ وَ بِالْهُدَى عَنِ الضَّلَالَةِ وَ بِالْيَقِينِ عَنِ الرَّيْبِ (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۹۶).

[خداوند!] از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و با فرمان‌برداری‌ات مرا از نافرمانی‌ات، و با آنچه دوست داری از آنچه خوش نداری نگه داری، و با ایمان از کفر، و با هدایت از گمراهی، و با یقین از تردید حفظ کنی.

۵. ارتباط یقین، شک و ریب

با توجه به آنچه گذشت و با در نظر داشتن مفاهیم چهارگانه بالا و نیز اصل لغوی بیان‌شده، به تبیین ارتباط میان سه مفهوم یقین، شک و ریب می‌پردازیم تا مفهوم ریب و جایگاه آن در کنار شک به عنوان مفهوم مقابل یقین بهتر روشن شود.

یقین علم به واقعیت یا حقیقت چیزی است که قبلاً مورد شک و تردید بوده است و اینک هیچ‌گونه شک‌ی در آن وجود ندارد.^۱ این مفهوم گاهی در حوزه علم و معرفت (دانستن) و گاهی در حوزه قلب و روان (باور) به کار می‌رود که از آنها با عنوان یقین معرفت‌شناختی و یقین روان‌شناختی یاد می‌شود. مفهوم شک نیز که در مقابل یقین قرار دارد، در همین دو حوزه به کار می‌رود و به دو نوع شک معرفت-شناختی و روان‌شناختی تقسیم تقسیم می‌شود (ن.ک: شاکر، پیشین، ص ۲۶۷).

اینکه یقین یا شک در موارد استعمالش در کدام یک از این دو حوزه به کار رفته است، از قرائن و بافت کلام مشخص می‌شود؛ اما می‌توان عباراتی مانند: «صدق الیقین» (یقین راستین) یا «قوة الیقین» (یقین قوی) را ناظر به یقین روان‌شناختی دانست که در مرتبه‌ای بالاتر از خود یقین قرار دارند. از طرفی، با توجه به روایاتی که گذشت می‌توان نتیجه گرفت که مفهوم ریب در نقطه مقابل همین یقین روان‌شناختی قرار دارد که مربوط به عرصه شناخت قلبی انسان است. آیه‌ای که جایگاه ایجاد ریب را قلب انسان‌ها دانسته‌اند، مؤید این معنا هستند.^۲ در بخشی از دعای امام سجاد علیه السلام نیز ریب در ارتباط با بصیرت انسان‌ها به کار رفته است^۳ که می‌تواند تأیید دیگری برای مطلب فوق باشد.

با توجه به این مطلب، وجه جمع میان روایاتی که ریب را آفت صدق یقین می‌دانند و روایاتی که شک را در تقابل با یقین معرفی می‌کنند، روشن می‌شود؛ زیرا شک اعم از حوزه معرفت و روان، و منافی خود یقین است؛ ولی ریب تنها مربوط به حوزه روان و منافی صدق یقین است.

۱. این تعریف از کلام ابن فارس برداشت شده است که یقین را زوال شک تعریف می‌کند. در این تعریف، رابطه یقین و شک رابطه ملکه و عدم ملکه است.

۲. مانند: «إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَازْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ» (توبه: ۴۵). نیز ن.ک: توبه: ۱۱۰.

۳. «لَمْ يَتْنِهِمْ رَيْبٌ فِي بَصِيرَتِهِمْ، وَلَمْ يَحْتَلِجْهُمْ شَكٌّ فِي قَفْوِ أَعْيُنِهِمْ» (صحیفة سجادیه، دعای چهارم).

همچنین مفهوم آیاتی مانند «إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ»^۱، که در آنها «شک» متصف به «مریب» شده است، روشن می‌شود؛ زیرا در این موارد شک همان حالت تردید در حوزه علم و معرفت است که ممکن است برای هر کسی پیش آید؛ اما وقتی چنین حالتی برای انسان باقی بماند، کم‌کم به حوزه قلب و روان او نیز سرایت می‌کند و تبدیل به تردید و اضطراب روانی می‌شود. به دیگر سخن، شک در معلومات آن شخص به شک در باورها و اعتقاداتش کشیده می‌شود. این ترکیب که در آیات قرآن برای مخالفان انبیاء بیان شده است، نشان می‌دهد که آنها علاوه بر اینکه نسبت به صدق و کذب دعوت پیامبران شک داشته‌اند، از حقیقت داشتن آن هم دل‌نگران بوده‌اند و بدان باور قلبی نداشته‌اند.

بنابراین، به وجود آمدن حالت شک امری عادی است و حتی طبق برخی از آیات حصول آن برای شخصیتی چون پیامبر اکرم ﷺ نیز محتمل است؛^۲ ولی آنچه اهمیت دارد این است که نباید شک به وجود آمده در باور قلبی انسان نفوذ کند. شک پایدار به زودی تبدیل به ریب و تردید قلبی می‌شود. این مطلب به روشنی از آیه زیر که از سخنان مؤمن آل فرعون خطاب به فرعونیان است، برمی‌آید:

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَن يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ (غافر: ۳۴).

و بی‌گمان پیش‌تر یوسف برای شما دلایل روشنی آورد، اما شما از آنچه برایتان آورده بود همچنان در شک بودید تا چون درگذشت گفتید که پس از وی هرگز خداوند پیامبری نخواهد فرستاد؛ بدین‌گونه خداوند کسی را که اسراف‌کار تردیدکننده است در گمراهی می‌نهد.

قطعاً یکی از معارفی که حضرت یوسف عليه السلام برای مصریان آورده بود، ارسال رسولانی پس از وی از سوی خدای متعال بوده است؛ ولی آنها ابتدا در آن شک کردند و وقتی در این حالت باقی ماندند، شکشان تبدیل به ارتیاب و تردید در باورهای قلبی آنان شد؛ به‌گونه‌ای که پس از وی معتقد شدند که خداوند اصلاً رسولی مبعوث نخواهد کرد. این حالت آنان در ادامه آیه با صفت «مرتاب» مورد اشاره قرار گرفته است. از آنچه گفته شد، پاسخ این سؤال نیز روشن می‌شود که چرا در برخی روایات ریب زمینه‌ساز شک دانسته شده است؛ مثلاً در خطبه‌ای که از امیرالمؤمنین عليه السلام نقل شده، آمده است:

لَا تَرْتَابُوا فَتَشْكُوا وَلَا تَشْكُوا فَتَكْفُرُوا (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۵ و ج ۲، ص ۳۹۹).

تردید به خود راه ندهید که به شک می‌افتید و شک نکنید که کافر می‌شوید.

همچنین در جای دیگر از آن حضرت چنین نقل شده است:

۱. سبأ: ۵۴؛ نیز ن. ک. هود: ۶۲، ۱۱۰؛ ابراهیم: ۹؛ فصلت: ۴۵؛ شوری: ۱۴.

۲. «فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ...»؛ یونس: ۹۴.

مَا أَقْرَبَ الدُّنْيَا مِنَ الذَّهَابِ وَالشَّيْبِ مِنَ الشَّبَابِ وَالشَّكَّ مِنَ الْإِثْيَابِ (لیثی، ۱۳۷۶، ص ۴۷۸).

چه نزدیک است دنیا به تمام شدن و جوانی به پیری و تردید و دودلی به شک.

یا این روایات از امام صادق علیه السلام که در آن ضمن بیان پیامدهای منفی عمل به رأی و قیاس گفته می‌شود که شک کار انسان‌های «مرتاب» است:

وَ فِي ذَلِكَ تَحْيِيرَ الْجَاهِلُونَ وَ شَكَّ الْمُؤْتَابُونَ وَ ظَنَّ الظَّالِمُونَ (برقی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۰۹).

و در همین نکته [عمل به قیاس]، نادانان حیران شدند و تردیدکنندگان دچار شک شدند و گمان‌کنندگان گمانه‌زنی کردند.

طبق این روایات، حالت تردیدی که موجب اضطراب روانی است و در قلب انسان حاصل می‌شود، موجب حصول شک در انسان می‌شود که با توجه به قرائن موجود از جمله اینکه در روایت اول نتیجه شک، کفر دانسته شده است، باید گفت در این موارد، مراد از شک، شک روان‌شناختی است نه شک معرفت-شناختی. لذا در همان روایت از ایجاد ارباب نهی شده است؛ یعنی انسان نباید خود را در معرض تردیدهای روانی قرار دهد تا بر اثر آن زمینه حصول شک در باورهای قلبی اش ایجاد شود. به عبارت دیگر، چون حصول شک معرفت‌شناختی در اختیار انسان نیست و نمی‌تواند مخاطب نهی واقع شود، از واژه «ریب» استفاده شده است. در واقع در این روایات مفهوم شک باریب تفاوت خاصی ندارد؛ چه اینکه در جای دیگر اصلاً شک همان ارباب دانسته شده است: «قال علی علیه السلام: الشُّكُّ اِزْتِيَابٌ» (لیثی، پیشین، ص ۳۴).

نتیجه گیری

می‌توان از آنچه گذشت این‌طور نتیجه گرفت که: اولاً شک اعم از حوزه معرفت و روان، و منافی خود یقین است؛ ولی ریب تنها مربوط به حوزه روان و منافی صدق یقین است. ثانیاً ریب در مقابل اطمینان قلبی، یک پدیده روانی است که آرامش حقیقی انسان را بر هم می‌زند و تنها کسانی که به مقام خلوص کامل و صدق ایمان رسیده‌اند از این آفت مصون‌اند و اگر هم برای این افراد ریبی ایجاد شود، تردید در امور اعتقادی و باورهای قلبی نیست؛ بلکه امری است که در عرصه معرفتی او پدید آمده و بر اثر ایمانی که دارد خیلی زود از بین می‌رود؛ ولی ریبی که برای منافقان و کفار و مشرکان حاصل می‌شود، نوعی اضطراب روانی است که آنها را در اعتقادات و باورهای قلبی‌شان دچار شبهه می‌کند، به گونه‌ای که به ایستادگی آنان در مقابل دعوت پیامبران می‌انجامد.

كتابنامه

- ابن ابى الحديد، عزالدين عبدالحميد بن محمد، شرح نهج البلاغة، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت: دار الجليل، ١٤٠٧ق.
- ابن دريد، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، بيروت: دار العلم للملايين، بى تا.
- ابن سيده، على بن اسماعيل، المحكم و المحيط الأعظم، تحقيق هنداوى عبدالحميد، بيروت: دار الكتب العلمية.
- ابن طاووس، على بن موسى، فلاح السائل و نجاح المسائل، تحقيق غلامحسين مجيدى، قم: مكتب الإعلام الإسلامى، ١٤١٩ق.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، القاهرة: شركة مكتبة مصطفى البابى الحلبي وأولاده، ١٣٨٩ق.
- ابن كثير، اسماعيل بن عمر، تفسير ابن كثير (تفسير القرآن العظيم)، تحقيق عبدالعظيم غيم ومحمد أحمد عاشور ومحمد إبراهيم البنا، القاهرة: دار الشعب، بى تا.
- ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت: دار صادر، ١٤١٠ق.
- ابو داود سجستاني، سليمان بن اشعث، سنن أبى داود، تحقيق محمد محيى الدين عبد الحميد، بيروت: دار إحياء السنّة النبوية، بى تا.
- ابويعلى الموصلى، احمد بن على، مسند أبى يعلى الموصلى، تحقيق إرشاد الحق الأثرى، جده: دار القبلة، ١٤٠٨ق.
- احمد بن حنبل، مسند احمد بن حنبل، تحقيق عبد الله محمد الدرويش، بيروت: دار الفكر، ١٤١١ق.
- الاربلى، على بن عيسى، كشف الغمّة فى معرفة الأئمّة، تحقيق السيد هاشم الرسولى المحلاتى، بيروت: دار الكتاب الإسلامى، ١٤٠١ق.
- الأزهرى، محمد بن احمد، تهذيب اللغة، بيروت: دار إحياء التراث العربى، بى تا.
- الأبى القمى، منصور بن الحسين الوزير، نثر الدرّ، تحقيق محمد على قرنة، قاهره: الهيئة المصرية العامة، ١٩٨١م.
- البرقى، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تحقيق السيد مهدي الرجائى، قم: المجمع العالمى لأهل البيت، ١٤١٣ق.
- الترمذى، محمد بن عيسى، سنن الترمذى (الجامع الصحيح)، تحقيق أحمد محمد شاكر، بيروت: دار إحياء التراث، ١٣٥٧ق.
- التميمى الآمدى، عبدالواحد بن محمد، غرر الحكم و درر الكلم، تحقيق سيد مهدي رجائى، قم: دارالكتاب الإسلامى، ١٤١٠ق.
- جوادى آملى، عبدالله، تسنيم: تفسير قرآن كريم، قم: اسرا، ١٣٧٨ش.
- الجوهري، اسماعيل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، تحقيق احمد بن عبد الغفور عطار، چاپ چهارم، بيروت: دار العلم للملايين، ١٩٩٠م.
- الحاكم النيسابورى، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، تحقيق مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١١ق.

- الحلوانی، الحسین بن محمد، نزہة الناظر وتنبیہ الخواطر، تحقیق عبد الہادی المسعودی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۳ش.
- الحمیری، عبداللہ بن جعفر، قرب الاسناد، تحقیق مؤسسة آل البيت، قم: مؤسسة آل البيت، ۱۴۱۳ق.
- الراغب الاصفہانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
- الزبیدی، محمد المرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی شیری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
- الزمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، بیروت: دار المعرفة، بی تا.
- الزیلعی، تخریج الأحادیث والآثار، تحقیق عبد اللہ بن عبد الرحمن السعد، الرياض: دار ابن خزيمة، ۱۴۱۴ق.
- السيوطی، جلال الدین، الجامع الصغير فی أحادیث البشير النذیر، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۱ق.
- شاکر، محمد کاظم، «نگاهی نوبه معناشناسی شک و یقین در قرآن»، پژوهش دینی، ش ۱۲، زمستان ۱۳۸۴ش.
- الشریف الرضی، نهج البلاغة من کلام الإمام أمير المؤمنین علیه السلام، تحقیق صبحی صالح، چاپ دوم، قم: هجرت، ۱۳۹۵ق.
- الصحيفة السجّادية، الإمام علی بن الحسین علیه السلام، تحقیق علی انصاریان، دمشق: المستشارية الثقافية للجمهورية الإسلامية الإيرانية، ۱۴۰۵ق.
- الصدوق، محمد بن علی، صفات الشيعة، تحقیق مؤسسه الإمام المهدي (عج)، قم: مؤسسه الإمام المهدي (عج)، ۱۴۱۰ق.
- _____، کمال الدین وتمام النعمة، تحقیق علی أكبر الغفّاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۵ق.
- _____، من لا يحضره الفقيه، تحقیق علی أكبر غفّاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- الصنعانی، ابوبکر عبدالرزاق بن همام، المصنّف، تحقیق حبيب الرحمن الأعظمی، بیروت: منشورات المجلس العلمي، ۱۳۹۰ق.
- الصیني، اسماعيل محمود، المكنز العربي المعاصر، بیروت: مكتبة لبنان ناشرون، بی تا.
- الطبرسي، الفضل بن الحسن، مجمع البيان فی تفسير القرآن، تحقیق السيد هاشم الرسولي المحلّاتی والسيد فضل اللّه اليزدي الطباطبائي، چاپ دوم، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۰۸ق.
- الطوسي، محمد بن الحسن، التبيان، تحقیق أحمد حبيب قصير العاملي، النجف الأشرف: مكتبة الأمين، بی تا.
- _____، الفهرست، تحقیق سيد عبدالعزيز طباطبائي، قم: كتابخانه محقق طباطبائي، ۱۴۲۰ق.
- _____، تهذيب الاحكام، تحقیق حسن الموسوي الخراسان، تهران: دارالکتب الاسلامية، ۱۴۰۷ق.
- العسكري، ابوهلال الحسن بن عبدالله، الفروق اللغوية، بیروت: دارالکتب العلمية، بی تا.
- الفراهیدی، الخلیل بن احمد، العين، تحقیق مهدي المخرومي، قم: دار الهجرة، ۱۴۰۹ق.
- الفيومي، احمد بن محمد، المصباح المنير فی غريب الشرح الكبير للرافعي، چاپ دوم، قم: مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۱۴ق.
- القضاعی، محمد بن سلامة، شرح فارسی شهاب الأخبار، ترجمه و شرح مترجمی ناشناس (قرن ۶ هجری)، تصحیح محمدتقی دانش پڑوه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۹ش.

- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق حسین درگاهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- الکرآجکی، ابوالفتح محمد بن علی، کنز الفوائد، تحقیق عبد الله نعمة، چاپ دوم، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۰ ق.
- _____، معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، تحقیق احمد الحسينی، طهران: المكتبة المرتضوية، ۱۳۴۹ ق.
- الكلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
- اللیثی الواسطی، ابوالحسن علی بن محمد، عیون الحکم والمواعظ، تحقیق حسین الحسنی البیرجندی، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶ ش.
- المجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، تحقیق دار إحياء التراث، بیروت: دار إحياء التراث، ۱۴۱۲ ق.
- المجلسی، محمد باقر، روضة المتقين، تحقیق علی پناه الإشتهاردی، چاپ دوم، قم: بنیاد فرهنگ اسلامی، بی تا.
- المدنی الشیرازی، السيد علی خان بن احمد، الطراز الأول والکناز لما علیه من لغة العرب المعول، مشهد: مؤسسة آل البيت، ۱۴۲۶ ق.
- مسعودی، عبدالهادی، روش فهم حدیث، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۴ ش.
- المصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، طهران: وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، ۱۴۱۶ ق.
- النجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی (فهرس أسماء مصنفی الشيعة)، تحقیق محمد جواد النائینی، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۰۸ ق.
- هاشم نژاد، حسین، «درآمدی بر شک و شکاکیت از منظر عقل و نقل»، معارف عقلی، ش ۱۴، تابستان ۱۳۸۸ ش.